

بررسی دانش آموزان دیر آموز و شیوه های آموزش و یاددهی به آنها

زهرا خزائی علی آباد^۱، مهرناز پاشا زانوس^۲، سیده زهرا خامسی^۳، فاطمه امیری گنگری^۴

^۱ لیسانس علوم تربیتی دانشگاه سراسری گیلان (نویسنده مسئول)

^۲ لیسانس علوم تربیتی گرایش آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان مازندران مرکز آمل

^۳ لیسانس علوم تربیتی گرایش آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان مازندران مرکز آمل

^۴ لیسانس علوم تربیتی گرایش آموزش ابتدایی دانشگاه فرهنگیان مازندران مرکز آمل

چکیده

بعضی از دانش آموزان با مشکلی به اسم دیرآموزی دست و پنجه نرم می کنند. این دانش آموزان توانایی یادگیری مهارت های مختلف درسی و تحصیلی را دارا می باشد اما از لحاظ ژرفای یادگیری نسبت به متوسط همسالان خود کمتر است. یکی از بزرگتری مشکلاتی که معلمان درگیر آن هستند شیوه رفتار با دانش آموزان دیرآموز است. این مسأله که معلمان از عهده آموزش به دانش آموزان دیرآموز برآیند و بتوانند مطالب درسی را به آنها آموزش دهند تکلیفی چالش برانگیز است. برخی معلمان تلاش می کنند تا از طریق وادار کردن این دانش آموزان به روش های منفی یا تنبیه به نتیجه مورد نظرشان برسند. تصور بر این است که دانش آموزان دیرآموز، دانش آموزان ضعیفی هستند و باید به اجبار به مدرسه فرستاده شوند اما این راه حل مناسبی نیست. یکی از پیامدهای این اقدام، هموار کردن مسیر برای اخراج دانش آموز از مدرسه و ایجاد نقطه ای تاریک در زندگی وی به عنوان یک دانش آموز قربانی است. اگر معلمان فرصت مناسب مطالعه و تفکر در زمینه فعالیت با این دانش آموزان را بیابند به راه حل مناسبی می رسند و از عهده آموزش و پرورش آنها برمی آیند. مقاله که از نوع کیفی مروری هست و با هدف بررسی دانش آموزان دیر آموز صورت گرفته است که حاصل تجزیه، تحلیل، بررسی و نتیجه گیری با توجه به کتب، مقالات، و دیگر منابع مکتوب معتبر می باشد.

واژه های کلیدی: دیرآموزی، راهبرد های آموزشی، چالش های آموزشی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

طبق تعاریف به عمل آمده «دانش آموز دیرآموز مرزی، فردی است که از نظر هوشی براساس منحنی نرمال، در حد فاصل یک تا دو انحراف معیار پایین تر از میانگین بوده و از نظر یادگیری مهارت‌های تحصیلی، کندتر از همسالان دارای هوش متوسط عمل می کند و فاقد اشکالات اساسی در رفتارهای انطباقی است» (هوسپیان و تات، ۱۳۷۹). کودکان مرزی با بهره هوشی ۷۰ تا ۸۵ که عمدتاً در سنین مدرسه به علت قدرت یادگیری پایین، عدم درک مفاهیم انتزاعی، دامنه محدود اطلاعات عمومی و عدم درک و تعمیم مسائل درسی قادر به رقابت با سایر همکلاسیان خود نیستند. این کودکان در یادگیری مطالب بسیار کند بوده و به زودی فراموش می کنند. از طرفی به علت بهره هوشی بالاتر (نسبت به کودکان عقب مانده ذهنی آموزش پذیر) و قدرت سازگاری با محیط و قدرت تعمیم نسبتاً بالاتر در سطح کودکان آموزش پذیر قرار نمی گیرند. با توجه به این که دانش آموزان دیرآموز همیشه پایین تر از توان بالقوه خود عمل می کنند و در ظاهر مشخصات بالینی خاصی ندارند که آنها را از دیگر کودکان متمایز سازد بنابراین نباید فقط به نتایج آزمونهای هوشی در برنامه ریزی آموزشی برای این افراد اکتفا کرد بلکه باید ارزیابی همه جانبه مستمر و پویا از همه کنش وری های فرد بعمل آید تا سطح تحول فرد تشخیص داده شود. توانایی ها و ضعفهای فرد شناسایی شود و از نتایج این ارزیابی در برنامه ریزی آموزشی و توانبخشی این کودکان استفاده گردد.

دانش آموز دیرآموز

دیرآموز اصطلاحی است که برای اطلاق به کودکی با مشکلات یادگیری به کار میرود و منظور یادگیرنده ایست که مطالب را کندتر یا آهسته تر از متوسط همسالان طبیعی خود فرامی گیرد چنین کودکی دارای قوای هوشی طبیعی است که به هر دلیلی مطالب را کندتر از آنچه متناسب سن او است یاد می گیرد.

می دانیم که بعضی از کودکان سریعتر از کودکان دیگر می آموزند و نیز بعضی از آنان از دیگر همسالانشان در یادگیری کندترند و در نتیجه در تامین نیازهای خویش و یا خواسته های دیگران از آنان دچار مشکلاتی می شوند. کودکان دیرآموز گروهی از کودکان هستند که بهره هوشی معادل ۷۰ تا ۸۵ دارند و حدود ۱۳/۶ درصد کل جمعیت را تشکیل می دهند. این گروه از کودکان دارای هیچ گونه علامت جسمی یا ظاهری مشخصی نیستند و به جز در امور تحصیلی و فعالیت های پیچیده ذهنی که ممکن است با شکست مواجه شوند در سایر امور زندگی می توانند مستقل عمل کرده و موفق شوند. اغلب محققان و متخصصان بر این اعتقادند که اگر چه افراد دیرآموز ممکن است نیازهای آموزشی ویژه داشته باشند با این حال برای جاییابی در سیستم آموزشی ویژه مناسب نیستند و باید در مدارس عادی آموزش ببینند. با در نظر گرفتن این وضعیت یک معلم در کلاس درس عادی با طیفی از دانش آموزانی سر و کار دارد که از نظر ویژگی های شناختی و عاطفی در سطوح مختلفی قرار دارند و اگر بخواهد در امر آموزش به این کودکان موفق باشد باید شناخت همه جانبه ای نسبت به همه ی آنها داشته باشد و آموزش خود را با سطوح مختلف توانایی های گوناگون دانش آموزان سازش دهد. این امر مستلزم صرف وقت فراوان توسط معلم کلاس و گذراندن دوره های آموزشی مناسب برای شناخت صحیح ویژگیهای دانش آموزان دیرآموز و چگونگی مداخله موثر در فرآیند آموزش و یادگیری آنها می باشد. برنامه ریزی برای آموزش این دانش آموزان مستلزم دقت و تلاش فراوان است. برنامه های تدوین شده برای آموزش و توانبخشی این کودکان باید متناسب با نیازهای همه جانبه آنها باشد و در این راه باید حداکثر مشارکت دانش آموزان و خانواده های آنها را فراهم کرد. آموزش فردی شده، کار تیمی، و افزایش مهارت‌های اجتماعی در این

کودکان می بایست مورد تاکید قرار گرفته و ارزیابی مستمر و پویا از عملکرد دانش آموزان و برنامه های اجرا شده، صورت گیرد.

با اعتراف به این حقیقت که انسان نمیتواند و نباید بر آنچه که از خود اراده و اختیاری در آن نداشته، امتیازی برای خود نسبت به دیگران قائل باشد و اگر تحت شرایطی نسبت به دیگری تفاخر و احساس برتری نماید این حالت را میتوان بیانگر جهالت و از خود بیگانگی فرد دانست باید دانست که زشتی و زیبایی، عقب ماندگی و تیزهوشی، نابینایی و بینایی، ناشنوایی و شنوایی، روستایی و شهری، سیاهی و سفیدی نباید عامل برتری بر دیگری باشد. چه بسا برتری انسان بر انسان فقط از لحاظ تقوا و تقرب به خداست. مراحل رشد همه افراد یکسان است تا زمانی که از یک مرحله عبور نکند و به مرحله بعدی نرسد تمام افراد با احتمال از این مراحل عبور عمومیت دارد اما طرز رشد از کودکی با کودک دیگر با توجه به ویژگیهای فردی او تفاوت می کند. و هر کودک به شیوه و سرعتی که خاص خود اوست این مراحل را پشت سر میگذارد تمام کودکان در یک سن مشابه لزوماً به نقطه معینی از رشد نمی‌رسند برخی از کودکان به شیوه گام به گام و تدریجی و یا یکنواخت رشد می کنند در حالیکه بعضی دیگر رشد ناگهانی و جهشی دارند بنابراین درست تر آن است که به جای مقایسه کودکان با هم با سنجش و کشف ویژگیهای فردی هر کودک در نقطه شروع او را با خودش مقایسه کنیم جریان یادگیری با تولد آغاز می شود و در تمام طول زندگی به صورتهای مختلف ادامه مییابد در ابتدا یادگیری بصورت تصادفی و گاهی غیر مستقیم صورت میپذیرد ولی در دبستان با برنامه ریزی نظم پیدا میکند بعضی از کودکان با توجه به عوامل محیطی، جسمانی و عاطفی مراحل رشد را به خوبی طی نمیکنند و آمادگی ورود به دبستان و یا همراهی با سایر کودکان دیگر ندارند شناسایی توانمندی های کودک و توجه به آن یکی از دشوارترین و در عین حال یکی از مفیدترین وظایف اولیاء و معلمان است با شناخت کودکان استثنائی که آنها هم آفریدگار خداوند هستند و نسبت به همسن های خود دارای محدودیت میباشند ولی آنها هم نیازمند به زندگی عشق و محبت و کار و ازدواج دارند. باید تلاش نمود تا آنان هم به مانند سایر افراد جامعه به زندگی خود ادامه دهند. کودکان دیر آموز نسبت به افراد عادی مقدار کمی از لحاظ رشد ذهنی پایین است این گروه نسبت به گروه های عقب مانده ذهنی از نظر ذهنی بالاتر می باشد و بیشترین افراد گروه عقب مانده را در بر می گیرند. آنان از لحاظ جسمی حرکتی عاطفی و اجتماعی شکل خاصی ندارند ولی از نظر درسی ضعیف میباشند. با توجه به اینکه کودکان دیر آموز از لحاظ ذهنی رشد کمتری نسبت به افراد دیگر دارند آنان میتوانند با حمایت و راهنمایی و مشاوره خدمات مناسب در مدرسه عادی مشغول تحصیل شوند یکی از ویژگی مهم آنان زود فراموش کردن است که با تمرین و تکرار زیاد میتواند آنها را آموزش داد. (عباسی، ۱۳۹۹)

در پژوهشی، صمدی (۱۳۸۶)، پیشرفت تحصیلی، سازگاری اجتماعی و شایستگی را در دانش آموزان عقب مانده ذهنی آموزش پذیر در مدارس ویژه و کلاس های ویژه مدارس عادی استان اصفهان مقایسه کرد. نتایج نشان داد که دانش آموزان مورد نظر در کلاس های ویژه مدارس عادی از سازگاری اجتماعی بهتری نسبت به دانش آموزان عقب مانده ذهنی آموزش پذیر در مدارس ویژه (استثنائی) برخوردارند. این کودکان رفتارهایی دارند که منعکس کننده توجه و تمرکز ضعیف، تأخیر و کندگی در پاسخ دهی، گرایش به سوی فعالیتهای عینی و ابتدایی، بیش فعالی، تکانشی بودن، تحمل کم در برابر ناملایمات و محرومیت ها، نوسانات خلقی، عواطف ابلهانه، دلتنگی، خشم، ترس و پایین بودن اعتماد به نفس آنها می باشد. این کودکان بسیار بی تجربه به نظر می آیند.

ویژگی ها و چالش های کودکان دیرآموز

اغلب دیرآموزان از نظر ظاهر جسمانی تفاوتی با دیگر همسالان ندارند و تا زمانی که وارد تحصیلات دبستانی یا پیش دبستانی نشده اند، دیرآموز بودن آنها برای والدین شان محرز و آشکار نمی شود؛ اما در موارد کمتری مشاهده شده است که از نظر رشد استخوانی، رشد حرکتی، هماهنگی ماهیچه ها، رشد کلامی، درآمدن دندانها با تأخیر و دیرتر از همسالانشان اتفاق می افتد (لیدنسی، ۱۹۵۲). دانش آموزان دیرآموز نمی توانند مطالب پیچیده را یاد بگیرند. آنها معمولاً مضطرب هستند، عزت نفس پایین و مهارت های توجیهی ضعیفی دارند، در انتقال آموخته ها به شرایط عمل یا موقعیتهای عملی زندگی روزمره مشکل دارند، این دانش آموزان در حال حاضر زندگی می کنند یعنی آینده نگر نیستند و اهداف بلندمدتی ندارند. دانش آموزان دیرآموز نمی توانند با به پای دانش آموزان عادی پیشرفت کنند و قادر نیستند همه چیزهایی را که از دانش آموزان عادی انتظار می رود یاد بگیرند. در حقیقت، دانش آموزان دیرآموز در مدتی که در مدرسه هستند بر محتوای دروس تسلط پیدا نمی کنند (غفوریان و عاشوری؛ ۱۳۹۶).

دانش آموزان دیرآموز نمی توانند در حد پی شرفتهایی به تحصیل بپردازند، حتی اگر هر گونه راهنمایی و تسهیلات آموزشی در اختیار آنها قرار گیرد. دانش آموزان دیرآموز، حافظه ضعیفی دارند. دامنه توجه شان کوتاه است و نمی توانند در مدت زمانی طولانی بر یک موضوع تمرکز کنند (غفوریان و عاشوری؛ ۱۳۹۶). یکی از مسائل مهم در عرصه تعلیم و تربیت کودکان دیرآموز، چگونگی ادامه تحصیل آنها است. که تعداد زیادی از کودکان سنین مدرسه را تشکیل می دهند (افروز، ۱۳۸۳).

به طور معمول کودکان باهوش مرزی دارای ویژگی هایی می باشند که فرایند آموزش را در کلاس درس برای آنها دچار مشکل می سازد:

اولاً: کودکان مرزی در یادگیری مفاهیمی که ارتباط مستقیمی با فعالیتهای روزمره آنها نداشته باشد با مشکلاتی مواجه هستند (سینگ، ۲۰۰۴) و مفاهیم زمانی توسط این کودکان بطور کامل یاد گرفته می شود که به سبک عینی ارائه شوند و از صورت انتزاعی خارج شوند.

ثانیاً: کودکان باهوش مرزی در تعمیم و انتقال مهارت ها دانش و راهبردها دچار مشکلات اساسی می باشند. هر چه این کودکان در فرایندهای آموزشی کلاس درس بی شتر درگیر شوند بی شتر سود می برند و بنابراین باید بی شتر آنها را در کلاس درس به فعالیت واداشت (افشار و آری؛ ۱۳۹۳). این دانش آموزان با احتمال بیشتری دارای مشکلاتی در مهارتهای اجتماعی و رفتاری می باشند که اغلب منجر به بی نظمی در کلاس درس می شود. ماسی (۲۰۰۵) در این باره می گوید: «این دانش آموزان با احتمال بیشتری دارای مشکلاتی در مهارتهای اجتماعی و رفتاری می باشند که اغلب منجر به بی نظمی در کلاس درس می شود». نگرش کودکان دیرآموز به مدرسه و تحصیل معمولاً منفی است. تعداد غیبت های آنان بیشتر است و در بسیاری از موارد از سوی معلم و همکلاسان خود طرد می شوند. این نگرش منفی نسبت به کودکان دیرآموز در کلاسهای سوم تا پنجم بیشتر است شاید به این دلیل که آنها مشکلات سازگاری بیشتری دارند. گاهی این دانش آموزان تعارضهای اجتماعی خود را به شکل پرخاشگری نشان می دهند چرا که در هنگام مواجهه با بحرانهای بین فردی و شخصی، سازوکارهای ناکارآمدی برای مقابله در پیش می گیرند. دیرآموزان انگیزه تحصیلی بالایی ندارند و همین امر موجب درماندگی و ناامیدی و پایین آمدن عزت نفس آنها در مدرسه است. تجربه شکست مکرر در کلاس، فقدان هدف

برای آینده، نگرش منفی همکلاسان و روشهای نادرست آموزش، رشد انگیزه تحصیلی این کودکان را به شدت کاهش می دهد. این کودکان از مشکلات رفتاری خود آگاه نیستند و نمی توانند عواطف خود را به طور مناسب ابراز کنند (بنی جمالی و احدی، ۱۳۷۰). بروفی و گود (۲۰۰۲)، در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که انتظار معلمان در مدارس عادی از کودکان عقب مانده ذهنی بسیار پایین است و این موضوع بر ویژگیهای رفتاری و عاطفی کودکان تأثیر دارد، و این دانش آموزان عمدتاً توجهات منفی را دریافت می دارند (هوسپیان و تات، ۱۳۸۶).

نارساییها و مشکلات دانش آموزان دیر آموز

دانش آموزان دیرآموز به طور معمول با برخی از نارساییها و مشکلات زیر روبرو هستند:

مشکل توجه و تمرکز

عدم توانایی تعمیم یک آموخته جدید به موارد و موقعیتهای مشابه

مشکلات گفتار و زبان

بیماری جسمانی تب شدید، تشنج و سوء تغذیه

مشکلات حرکتی

عدم اعتماد به نفس و احساس عدم ارزشمندی

فقدان انگیزه پیشرفت

نگرش منفی نسبت به خود

عدم اکتساب مهارتهای اجتماعی

عدم توانایی در برقراری ارتباط با دیگران

احساس ناامنی روانی و آشفتگی عاطفی

هراس از مدرسه و ترسهای دیگر

ناهنجاریهای رفتاری و عاطفی

خانواده فقیر کم درآمد و کم سواد

عدم همکاری خانه و مدرسه

عدم اکتساب آمادگی های لازم (به نقل از پولووی و اسمیت، ۱۹۹۹)



دانش آموزان دیرآموز چه نیازهایی دارند؟

دانش آموزان دیرآموز بیش و پیش از هر امری نیازهایی دارند که باید خانه و مدرسه به آنها پاسخ مناسب دهد. به این نیازها تحت عنوان انتظارات کودکان با نیازهای ویژه با عنوانهای ذیل اشاره میشود:

-درست نشستن

- درست راه رفتن

-فهمیدن حرف دیگران

- بازی کردن

-انجام مهارتهای حرکتی ظریف(مانند نخ کردن سوزن هماهنگی چشم و دست)

-انجام مهارتهای حرکتی درشت(مانند دویدن جهیدن و از نردبان بالا رفتن)

-استفاده از وسایل(مانند قیچی و چسب)

-شرکت در فعالیتهای گروهی و اجتماعی

-استفاده از وسایل رفت و آمد

-بیان احساسات و نیازها

-تأمین نیازهای بهداشتی

-مهارتهای اجتماعی

-مهارتهای زندگی مستقل

بدین ترتیب ملاحظه میشود دانش آموزان دیرآموز نیازهایی دارند و مهارتهای اساسی را به طور کامل کسب نکرده اند. بنابراین ضرورت دارد پیش از اجرای برنامه های دوره ابتدایی یا همزمان برنامه های دوره ابتدایی یا دوره پیش دبستانی اجرا شود و مهارتهای لازم کسب گردد. بسیاری از این قبیل دانش آموزان قادر هستند تمام یا برخی از این گونه مهارت ها و فعالیت ها را در خلال بازی و واحدهای آموزشی یاد بگیرند و کسب کنند. (نامنی، حیات روشنائی، میلانی ترابی، ۱۳۸۱)

راهبردهای کلی آموزش و پرورش (دانش آموزان مرزی، دیر آموز، کند آموز)

در آموزش و پرورش دانش آموزان دچار مشکلات یادگیری باید به نکات ذیل توجه نمود:

الف) دانش آموزان ناتوان همیشه قادر به پذیرش و سازگاری با نوع آموزش که برای هر دانش آموز عادی فراهم می آید نیستند. نوع پاسخهای کودکان عادی و ناتوان مختلفند از این رو ضروری است که در امر گزینش محتوای آموزش و روش آموزش

سازگاریهایی صورت گیرد. فی المثل برای آموزش دانش آموزان مرزی روشها یا راهبردهای نسبتاً ساختاری و رهنمودی کارایی بهتری دارند.

از طرف دیگر محتوای برنامه درسی دانش آموزان مرزی باید با توجه به ساختهای شناختی آنها به توالی های کوچکتر تقسیم شده و آموزش داده شود آنها معمولاً قادر به درک مفاهیم اساسی درس نیستند و یا فاقد پیش نیازهای لازم برای آموزش هستند لذا توجه به نکته فوق ضروری است.

ب) کسب موفقیت اولیه و اجتناب از موقعیتهای ناکام کننده از مهمترین نکات عاطفی هستند که باید به هنگام آموزش کودک مرزی بدان توجه داشت بسیاری از دانش آموزان ناتوان تاریخچه ای طولانی از شکست پشت سر دارند در موقعیت هایی قرار گرفته اند که از آن بهره نبرده اند از این رو قرار دادن دانش آموز مرزی در موقعیت موفقیت حتی اگر موقتی باشد روش مؤثری قلمداد می شود. با افزایش عزت نفس دانش آموز مرزی میتوان ضریب موفقیت آنان را افزایش داد با استفاده از فنون تحلیل تکلیف و آموزش برنامه ای میتوان مراحل یا گامهای آموزش محتوی را با سطح شناختی فعلی دانش آموز منطبق کرده و میزان موفقیت او را به حداکثر رساند. ج) نظر به این امر که بر اساس پژوهش در زمینه تعامل استعداد روش توپایس (-۱۹۷۸، ۱۹۸۵) استعداد دانش آموزان و روش تدریس رابطه ای تعاملی برقرار است بهتر است در زمینه آموزش به دانش آموزانی که از تواناییهای کمتری برخوردار هستند از روشهای آموزشی ساختماندتر نظیر آموزش برنامه ای استفاده شود. در روشهای ساختماند به دلیل طراحیهای آموزشی قبلی معلم دانش آموز اضطراب کمتری را تجربه میکند و با چالشهای برنامه ریزی کمتر مواجه می شود.

د) نظر به رعایت اصل تعامل استعداد-روش، سنجش پذیری آموزش به روش عینی و بناسازی نظام دانش حیطه اختصاصی دانش آموز دیرآموز بر اساس منطقی و معنی دار تهیه هدفهای رفتاری آموزشی، موضوعی لازم الاجرا است.

ه) بدیهی است به منظور طراحی مؤثر هدفهای رفتاری سنجش دانش پیش نیاز دانش آموز ضروری است.

کودکان دیرآموز در کلاسهای عادی

اگرچه برای کودکان عقب مانده استفاده از کلاسهای ویژه یک ایده آل است اما همیشه این امر امکانپذیر نیست گاهی اوقات کودک عقبمانده و یا کودک دیرآموز در یک کلاس عادی جا داده میشود و زیر نظر معلمی قرار میگیرد که فعالیتی در مورد تدریس این کودکان نداشته است. وقتی بنابر هر دلیلی این عمل انجام شود معلم باید در مورد این کودک با روانشناس یا مشاور مدرسه گفتگو نماید تا بتواند این کودکان را بهتر تحت آموزش قرار دهد.

در هر کلاس که ۳۰ تا ۴۰ دانش آموز دارد به طور میانگین ۱ تا ۴ دانش آموز با ویژگیهای گفته شده وجود دارد معلم باید اصول اصلی کار با این کودکان را بداند که عبارت است از:

-معلم باید ویژگیهای فردی کودک را در نظر بگیرد.

-معلم باید در کلاس به کودک کمک کند تا در اندازه و سطح خودش آموزش ببیند.

- مطالب درسی باید بیشتر تکرار شود و مدت زمان یادگیری و آموزش درس جدید با فاصله بیشتر برنامه ریزی شود.

-مدتی که طول میکشد تا یک کودک دیرآموز همانند یک کودک عادی یک سال درسی را به پایان برساند. یک سال و نیم است.

-کودک دیرآموز احتیاج به انگیزه برای تمرین (مشق و تکالیف) دارد اما تمام این روشهای انگیزشی به یک نوع نیستند و آموزگار باید نبوغ خاصی برای آموزش به کودک به کار بندد.

-آموزگار برای تدریس از مسائل عینی و محسوس کمک بطلبد تا بتواند موقعیت آموزشی محسوسی را برای او فراهم کند.

-کودک دیرآموز برای رسیدن به ایده آل های آموزشی نیاز به تحسین و تشویق دارد. از قبیل جوایز متفرقه ستاره روی دفتر یک اسباب بازی نوشتن نامش با گچ رنگی و تحریک کردن علاقه هایش.

-آموزگار باید به کودک کمک کند تا به فعالیتهايش به عنوان یک چیز با ارزش بنگرد و هر فعالیت و تلاش کودک در ارتباط با موضوع تدریس از جانب معلم مورد احترام قرار گیرد.

-داشتن ظاهر مناسب به کودک کمک میکند تا بهتر مورد پذیرش در جامعه باشد.

-از این کودکان باید برنامهها و هدفهای کوچکتری را انتظار داشته باشیم.

-موضوعات درسی مدرسه های رسمی باید در آموزش به این کودکان با تأخیر به کار گرفته شوند تا زمانیکه کودک برای پذیرش آنها آماده میشود از آن جایی که کودک دیرآموز تقریباً ۲ سال از کودکان هم سن خود از لحاظ آموزشی عقب تر است ما باید انتظار داشته باشیم که او با کودکان کوچکتر از خود در یادگیری برابری نماید.

- رسیدن به موفقیت و پیشرفت تحصیلی برای کودک دیرآموز منوط به داشتن طرح و برنامه ریزی صبورانه و راهنمایی متفکرانه در طول دوره آموزشی است.

-تکرار یک دوره کلاسهای پیش دبستانی (آمادگی) برای کودک کندآموز مفید و با علاقه خواهد بود.

زیرا بیشتر کودکان از دوره آمادگی لذت خیلی زیادی میبرند و این نکته برای خانوادههای این کودکان جالب توجه است که گمردن آنها در چنین شرایط کلاسی به توسعه یک سری از تواناییهای کودک کمک مینماید. در نهایت این کودکان احتیاج به همکاری دارند هرچند که اگر خودشان این همکاری را نخواهند. اگر کودک دیرآموز بعد از ۲ سال در یک مدرسه عادی پیشرفتی حاصل نکرد و بهره ای نبرد باید او را به یک کلاس ویژه کودکان استثنایی انتقال داد.

اصول آموزش دانش آموزان دیرآموز

اصولی که به یاددهی و یادگیری دانش آموزان دیرآموز کمک میکنند به اختصار به شرح زیر میباشد:

۱- اصل یادگیری از طریق عمل کردن

دانش آموزان دیرآموز توانایی محدودی برای انجام کارهای ذهنی دارند لذا یادگیری آنها باید همراه عمل کردن باشد و از هر موقعیتی و در هر مکانی باید به منظور آموزش استفاده کرد.

۲- اصل به کارگیری حواس و تربیت حواس

در امر آموزش هر چه حواس بیشتری بکار گرفته شود آن آموزش موفق تر است.

۳- اصل توجه به زنجیره ای بودن مهارت ها و دانش ها

مهارت ها و دانشها به مانند حلقه های زنجیر با یکدیگر مرتبط هستند لذا در امر تدریس باید به این ارتباط و پیوستگی توجه داشت و مهارت یا دانش جدید باید با مهارت یا دانش قبلی مرتبط باشد و به تدریج بر دشواری دقت و صراحت آن افزوده شود.

۴- اصل واقع گرایی

هر قدر میان موضوعهای مورد تدریس و زندگی واقعی و فعالیتهای طبیعی کودک ارتباط و همبستگی وجود داشته باشد، تدریس موفق تر و اثر بخش تر است در این باره استفاده از مصداقهای عینی و مثالهای کاربردی توصیه می شود.

۵- اصل تفاوتهای فردی

هر قدر تدریس بر اساس نیازهای فردی و تفاوتهای فردی، باشد موفق تر و اثر بخش تر است. از این رو استفاده از برنامه های آموزش انفرادی توصیه میشود.

۶- اصل تعامل و تجربه

هر قدر دانش آموز با محیط های فیزیکی و اجتماعی تعامل بیشتری داشته باشد و از تجربه های گوناگون بهره مند باشد برای رشد همه جانبه او مفیدتر خواهد بود.

شیوه های تدریس برای کمک به دانش آموزان دیرآموز

از روشهای مختلفی برای تدریس به دانش آموزان دیرآموز استفاده میشود که دو روش مهم آن عبارت اند از:

تدریس جبرانی: این روش یک رویکرد آموزشی است که معلم، محتوای درس را قبل از این که ضعف ها یا نارسایی های اساسی در دانش آموز بروز کند، اصلاح یا تغییر میدهد. در تدریس جبرانی، محتوای درس به طور مجدد سازماندهی میشود، از تغییرات و اصلاحات استفاده میشود(به عنوان مثال، استفاده از تصاویر به جای عبارات) و بر استفاده از منابع و فعالیتهای یادگیری تکمیلی تاکید میشود(به عنوان مثال، تغییر مکان یادگیری و شبیه سازی آموزش، بحث های گروهی و یادگیری مشارکتی). این روش تدریس شامل تغییر تکنیک های آموزشی از جمله استفاده از نشانگرهای دیداری در محتوا از طریق ابزارهای انعطاف پذیر آموزشی(فیلمها، تصاویر و توضیحات) یا تغییر شکل در آموزش(آموزش محتوای بر اساس سرعت یادگیری هر فرد، شبیه سازی محتوا و کتابهای کار تجربه محور) میشود.

تدریس اصلاحی: این روش، یک رویکرد جایگزین برای معلم کلاس عادی به منظور آموزش دانش آموزان دیرآموز است. تدریس اصلاحی یعنی استفاده از فعالیتهای، تکنیکها و شیوههایی برای حذف ضعفهای رایج دانش آموزان دیرآموز از جمله نارسایی در مهارتهای اساسی ریاضی یا حذف آن ها از طریق آموزش مجدد محتوایی که قبلا یاد نگرفته است. در این روش تدریس، محیط آموزشی تغییر نمیکند بلکه از تکنیکهای آموزشی رایج از جمله تفکر و تمرین استفاده میشود.

در برخی کلاسها که تعداد دانش آموزان دیرآموز زیاد است از الگوهای موفقیت آمیز چندمنظوره برای هم تدریسی استفاده میشود که شکلهای مختلفی دارد.

در ادامه، پنج الگوی اساسی همتدریسی توضیح داده شده است که فرصتهایی را برای معلمان هم تدریس و دانش‌آموزان دیرآموز فراهم میکند. از این روشها میتوان در کلاسهای عادی، ویژه و فراگیر استفاده کرد:

۱- تدریس، نظارت: در این الگو، یک معلم مسئول آموزش و معلم دیگر مسئول نظارت است. این الگو به معلم ناظر اجازه میدهد تا دانش آموزان بی اراده و تکلیف‌گریز را مشاهده کند، فرمهای نظارت بر دانش آموز را علامت گذاری نماید، به توجه فردی دانش آموز بازخورد بدهد تا در فعالیت‌ها مشارکت کنند و تقویت‌کننده‌ها یا پیامدها را بر اساس فراوانی ارائه دهد.

۲- تدریس ایستگاهی: معلمان در این الگو، محتوا را به دو بخش و دانش آموزان را به سه گروه تقسیم میکنند. هر معلم یکی از دو بخش تدریس را در ایستگاهی به یک گروه کوچک از دانش آموزان تدریس مینماید و گروه سوم به طور مستقل کار میکند. گروههای دانش آموزی بین ایستگاه‌ها چرخش دارند. معلمان میتوانند برای جلب توجه و یادگیری بهتر دانش آموزان، محتوا را به واحدهای کوچک تری خرد کنند. هر معلم میتواند با گروه کوچکی از دانش آموزان کار کند و از توجه آن‌ها به درس و یادگیریشان اطمینان یابد. این الگو به دانش آموزان کمک میکند تا آسانتر با هم کار کنند و تقویت‌کننده‌ها و پیامدهای بیشتری را فراهم مینماید.

۳- تدریس موازی: دو معلم در تدریس موازی، کلاس را به دو گروه تقسیم میکنند و محتوای مشابهی را به گروه کوچکتری از دانش آموزان تدریس مینمایند. این الگو، فرصتهای یکسانی را مانند تدریس ایستگاهی فراهم میکند و اصلاح نحوه آموزش با محتوای یکسان را برای تحقق نیازهای دانش آموز امکانپذیر میسازد.

۴- تدریس جایگزین: در این الگو، یک معلم آموزش محتوا در گروه بزرگی از دانش آموزان و معلم دیگر آموزش جبرانی یا تکمیلی در گروه کوچک را بر عهده دارد. معلم گروه کوچک میتواند نحوه ارائه محتوا را اصلاح کند، نحوه ارائه پیامدها یا پاداشها را کنترل نماید و نظارت و مشاهده نزدیکی بر دانش‌آموزان داشته باشد. هم‌چنین، معلم گروه کوچک در آموزش از راهبردهایی مانند خودنظارتی استفاده میکند.

۵- تدریس گروهی: معلمان در تدریس گروهی به صورت متناوب یا همزمان به کل کلاس آموزش می‌دهند. در این الگو، هر دو معلم میتوانند مراقب تصور غلط، سردرگمی، بی‌توجهی و حواس پرتی دانش‌آموزان باشند. علاوه بر این، هر دو معلم هم تدریس میتوانند به طور هماهنگ در ارائه محتوا و راهبردهای یادگیری به لحاظ رفع نیازهای همه دانش آموزان همکاری داشته باشند.

در همه الگوها معلمان همتدریس درباره آموزش‌هایی که واضح هستند و به شکل مطلوبی به دانش آموزان ارائه میشود، بحث میکنند و ارزیابی بهتری انجام میدهند. هم‌چنین، معلمان همتدریس میتوانند برای پیشبینی بهتر نقاط ضعف این دانش آموزان به ویژه در طول زمانهای انتقال، در امور روزمره یا تکلیفهای پیچیده همکاری داشته باشند. الگوهای متفاوت همتدریسی برای معلمان این انعطافپذیری را فراهم میکند تا نحوه ارائه آموزش و هدف‌های معلمان و نیازهای دانش آموزان دیرآموز با هم سازگار شوند. متأسفانه معلمان همتدریس به استفاده از یک الگو و برون‌گذاری سایر الگوها عادت می‌کنند. یعنی

یک معلم مشارکت فعالی در آموزش یا برنامه ریزی ندارد. این عدم مشارکت به بی علاقه‌گی معلم و بی توجهی دانش آموز منجر میشود. الگوهای همتدریسی متناسب با نیازهای آموزشی توسعه میابند. باید هر دو معلم به نحوی متناسب با تخصص خود در آموزش مشارکت داشته باشند.

اثرات نامطلوب جداسازی کودکان دیر آموز از دانش آموزان عادی

۱- اولین اثر نامطلوب این است که روند جداسازی را ترغیب میکند جوامع بشری به این سو حرکت میکنند که بتوانند شرایطی فراهم کنند که در آن تمام افراد از هر جنس و نژاد و طبقه اجتماعی و تواناییها و ناتوانایی های فردی حضور فعال در جامعه داشته و حق بهره مند شدن از امکانات اجتماعی را داشته باشند که یکی از این امکانات آموزشی همگانی در کنار همسالان است یعنی دانش آموزانی که صرفاً دارای مشکلات تحصیلی بوده و فاقد هر گونه مشکل اولیه در رفتارهای سازشی هستند حق برخورداری از آموزش عادی را دارند.

۲- دومین اثر مربوط است به بعد عاطفی هر دو گروه احساس عدم کفایت یکی از اولین واکنشهایی است که جدا کردن دانش آموزان دارای مشکلات تحصیلی میتواند در این دانش آموزان ایجاد کند. محرومیت از یک حق به این معنی است که فرد لیاقت بهره مند شدن از آن حق را نداشته است احساس بی لیاقتی میتواند به ایجاد نگرش منفی نسبت به خود منجر شود افت یا از بین رفتن انگیزه و ناامیدی نیز از تبعات بعدی این روند است.

۳- سومین اثر آن است که اگر دانش آموزی مشکلش در یادگیری بعضی یا تمام دروس است، در محیطی قرار گیرد که توقع آموزشی در حدی نباشد که موجب ترغیب تلاش در وی شود میتوان انتظار بی علاقه شدن نسبت به درس را از وی داشت چرا که برنامه ی آموزشی برای بالفعل رساندن استعدادهای دانش آموزان باید یک سطح بالاتر از تواناییهای اولیه یادگیرنده باشد.

مدرسه بستر مناسبی برای دانش آموزان فراهم میکند تا با افرادی از فرهنگهای مختلف و طبقات متفاوت اجتماعی و تواناییها و ناتوانیها آشنا شوند و به آنها احترام بگذارد و حقوق آنها را رعایت کند. جدا کردن افرادی که دارای تواناییهای محدودتر تحصیلی هستند باعث محروم شدن سایر دانش آموزان از داشتن تجربه مثبت و سازنده برخورد با این افراد شده و در نتیجه حد تحمل آنها برخورد های بعدی در جامعه کاهش می یابد. در نتیجه چگونه میتوان انتظار داشت در آینده نه چندان دور فارغ التحصیلان آموزشی استثنایی توسط همسالان خود که اکنون شهروندان و مسئولان همان جامعه هستند مورد پذیرش قرار گیرند و حداکثر امکانات را برای حضور فعال آنها مهیا سازند. وراثت بر هوش اثر میگذارد اما میزان آن معلوم و دقیق نیست و اتفاق نظر وجود ندارد محیط بارور موجب افزایش بهره هوشی و محیط محروم موجب کاهش بهره هوشی فرد میشود.

روش های کمک به کودکان دیر آموز

۱- خانواده ها به طور موثر با معلم همکاری کرده و معلم از این همکاری استقبال کند.

۲- این کودکان در کلاسهایی قرار بگیرند که دارای دانش آموزان کمتری باشد.

۳- معلم به آموزش انفرادی بپردازد و به تدریج کودک را درگیر فعالیتهای گروهی و تدریس جمعی نماید.

۴- پیشرفت این کودکان به صورت هفتگی ثبت و در صورت نیاز از وجود یک مشاور کمک گرفته شود.

۵- فعالیتهای یادگیری به صورت گام به گام و از ساده به مشکل و با حجم کمتری انجام شود.

- ۶- تدریس با تکرار بیشتری همراه باشد و از بیان لفظی خود دانش آموز استفاده شود.
- ۷- در مورد پاسخهای درست و نادرست باز خورد فوری و همراه با توجه، تحسین تشویق و البته در صورت لزوم از تنبیه خفیف استفاده شود.
- ۸- به کودکان کمک شود که هرچه زودتر به مرحله عملیات عینی برسند.
- ۹- بر روی پیشرفت توجه و رشد مهارتهای کلامی کودکان کار شود.
- ۱۰- مهارت آموزی مورد توجه قرار بگیرد. از آنجایی که تقریباً ۱۳٪ دانش آموزان مدارس عادی دیرآموز هستند، رسیدن به اهداف فوق نیازمند آن است که یک دوره آموزشی برای معلمان دوره ابتدایی در نظر گرفته شود و یک کمیته تخصصی بر عملکرد مدارس نظارت داشته باشد.
- ۱۱- اگر کودکان دیرآموز در همان کلاسهای اول و دوم آموزش مناسب ببینند و درگیر فعالیتهایی شوند که به طور نظام دار جذب سیستم ادراکی آنها شود و مهارت کلامی آنها را رشد دهد، هم نمرات کلاسی و هم رشد هوشی آنها پیشرفت میکند و به حد دانش آموزان عادی می رسد.
- ۳۰ راهکار برای بهبود ظرفیت یادگیری دانش آموزان دیرآموز
- راهکارهای زیادی برای بهبود ظرفیت یادگیری دانش آموزان دیرآموز وجود دارد، در ادامه به ۳۰ راهکار اصلی اشاره شده است:
- ۱- تشویق حتی برای پیشرفت اندک
 - ۲- مشخص کردن هدف و تعیین جدول زمانی برای دستیابی به آنها
 - ۳- ارائه نکات مفید و اساسی برای به حافظه سپردن مطالب
 - ۴- اهمیت دادن به کلاس و دانش آموزان
 - ۵- استفاده از شیوه خواندن برای خود
 - ۶- سوال کردن تمرینی از خود
 - ۷- راهنمایی ویژه برای خارج از مدرسه
 - ۸- مکان نشستن دانش آموزان در کلاس
 - ۹- آموزش برای مهارتهای شنیدن، صحبت کردن، خواندن و نوشتن
 - ۱۰- پیگیری مشکلات جسمی یا ذهنی احتمالی دانش آموزان
 - ۱۱- ایجاد اعتماد نسبت به حوزه های مورد علاقه
 - ۱۲- تحلیل روانشناختی و حل مشکلات

۱۳-راهنمایی کردن و هدایت دانش آموزان

۱۴-رفتار دوستانه با دانش‌آموزان

۱۵-استفاده از تکالیف کاربردی و مهارتمحور جایگزین و متنوع به جای تکالیف سنتی

۱۶-جلسه های آموزشی فشرده

۱۷-تهیه کتاب های ضروری

۱۸-استفاده از تکنیک های خواندن

۱۹-وسایل کمکی دیداری- شنیداری

۲۰-ارتباط با والدین

۲۱-انتظارات به جا و مناسب

۲۳-تحلیل عملکرد دانش آموزان

۲۴-برنامه درسی مناسب

۲۵-ایجاد محیط امن

۲۶-فراموش نکردن اصول آموزش و آموزش اصولی

۲۷-پل زدن به آموخته های دانش آموزان از طریق آزمونهای مداوم

۲۸-عدم جداسازی دانش آموزان

۲۹-با محبت رفتار کردن

۳۰-تقویت کنجکاوی دانش آموزان

اهداف تلفیق دانش آموزان دیر آموز در کلاسهای عمومی مدارس عادی

۱- برگرداندن ساختار طبیعی محیط آموزشی که در آن افراد دارای تواناییهای بیشتر در کنار افرادی با تواناییهای کمتر قرار گیرند.

۲- جلوگیری از جداسازی دانش آموزانی که دارای مشکلاتی در تحصیل هستند از همسالان آنها بهره مند شدن دانش آموزان دیرآموز از الگوهای مناسب رفتاری همسالانشان.

۴-آماده ساختن دانش آموزان دیر آموز برای ورود به جامعه عادی.

۵- آشنا ساختن دانش آموزان با همسالان خود در جهت پذیرش آنها به عنوان افرادی در جامعه خودشان.

۶- بهره مند شدن دانش آموزان دیرآموز از فرصتهای برابر آموزشی و احقاق حقوق آموزشی آنها.

۷- ایجاد حس همکاری از طریق ایفای نقش معلم از سوی دانش آموزانی با توانایی بالاتر برای دانش آموزان در دیرآموز.

۸- بهره مند شدن دانش آموزانی که دارای تواناییهای خوبی هستند اما در مقاطعی یا در مواردی با مشکلاتی مواجه می شوند.

از امکانات آموزشی که برای دانش آموزان دیرآموز فراهم میشود. یادگیری بر یادگیری بنا نهاده میشود و اگر سنگ بنای یادگیریهای پیشین مستحکم نباشد یادگیری جدید به دشواری تشکیل خواهد شد.

مشکلات رفتاری دانش آموزان دیرآموز در صورت وجود ذاتی نبوده بلکه واکنشی هستند به مشکلات تحصیلی انتظارات خانواده و مدرسه و بوجود آمدن احساس ناکامی در خود فرد.

نتیجه گیری:

یادگیری فرآیندی پیچیده ولی ضروری است که هر فردی در گستر عمر یعنی از لحظه تولد تا واپسین دم حیات آن را پیگیری می کند مشکل این است که همه کودکان نمی توانند خود را با سبک های یادگیری انعطاف پذیر سازند. برخی کودکان نمی تواند فقط با رویکردهای انعطاف پذیر و دارای سرعت بالا که با تدریس سنتی مشخص می شوند کنار بیایند به همین دلیل فاصله زیادی بین توانایی بالقوه و سطح عملکرد یا توانایی بر بالفعل کودکان ایجاد می شود و از آن ها به عنوان دیرآموز یاد می شود. معلمان می توانند از طریق شیوه های تدریس توسعه یافته و چند منظوره فرصت های حمایتی بیشتری را برای دانش آموزان با سبک های یادگیری متفاوت فراهم کنند تا ظرفیت های یادگیری آنها را بهبود بخشد بنابراین معلمان با به کارگیری سبک های متفاوت یاددهی و یادگیری می توانند کاستی های یادگیری دانش آموزان دیرآموز را جبران ساخته و آن ها را در روند یادگیری یاری فرمایند. لفظ دیرآموز عمدتاً گمراه کننده است برخلاف تصور اولیه مردم برای دانش آموزان دارای نیازهای خاص به کار میرود در اکثر کلاس های عادی دانش آموزانی هستند که قادر نیستند با دیگر همکلاسی های خود به رقابت بپردازند و در نتیجه در پایان سال تحصیلی مردود میشوند شکست تحصیلی را تجربه می کنند این گونه از افراد که کودکان دیرآموز نام دارند به علت کمی رشد ذهنی قادر به فراگیری مطالب و حل مسائل همانند همسالان خود نیستند دیرآموزان کودکی هستند که در مدرسه عملکرد ضعیفی دارند اما برای آموزش خاص مناسب نیستند و انتقال آنان احتمالاً نیازهای تحصیلی خاصی دارد و همچنین مرز عقب ماندگی ذهنی تصور می شود در واقع موضوع آن نیست که آنها کند یاد می گیرند بلکه آنان در آمادگی رشدی درک مفهیمی که اکثر همسالان آنها به راحتی به آن دست می یابند عقب تر هستند و کمتر عمل می کنند این کودکان نهایت مفاهیم و موضوعات اصلی را می آموزند اما در حد یک یا دو سال بعد از همسالان خود.

منابع

افروز، غلامعلی (۱۳۸۱) روانشناسی توانبخشی کودکان آهسته گام، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چاپ نهم.

افروز، غلامعلی (۱۳۸۳) مقدمه ای بر روان شناسی و آموزش و پرورش کودکان عقب مانده ذهنی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی.

- بنی جمالی شکوه السادات و احدی حسن (۱۳۸۰) *بهداشت روانی و عقب ماندگی ذهنی*، تهران: نشر نی، چاپ دوم. به پژوه، احمد. (۱۳۸۲). « یکپارچه سازی آموزشی چیست؟»، نشریه انجمن علمی کودکان استثنایی، شماره ۱۶ و ۱۷ (مهر و آبان).
- حدادی، علیرضا. (۱۳۸۸). *وضعیت تحصیلی و رفتاری دانش آموزان کم توان ذهنی مرزی در مدارس عادی*، فصلنامه روان شناسی کاربردی، سال ۳، شماره ۳ (۱۱)، پاییز ۸۸، صص ۴۷-۳۵.
- سیف نراقی مریم و نادری، عزت اله (۱۳۸۳). *آموزش و پرورش کودکان استثنایی*، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور.
- کاپلان هارولد و سادوک بنیامین (۱۳۸۱) *خلاصه روان پزشکی ترجمه نصرت اله پورافکاری تبریز*: انتشارات ذوقی جلد ۱.
- نامنی محمد رضا حیات روشنایی افسانه و میلانی ترابی فریده (۱۳۸۱) *گامهای پیشرفت برای کودکان دیرآموز*، تهران انتشارات سمت.
- هوسپیان، آلیس و تات، محمدرضا (۱۳۸۶). *آموزش و پرورش تلفیقی دانش آموزان دیرآموز*، تهران: سازمان آموزش و پرورش استثنایی.
- Trophy, j., & Good, T. (2002). Teacher's communication of differential expectations for children s classroom performance: some behavioral data. *Journal of Educational Psychology*, 61, 365-374.
- Murphy, D. (2006). Implications of inclusion for general and special education. *The Elementary school journal*, 96, (5), 469 – 487.
- Pillowed, Edward. A., & smith, David. (1999). Current status of the mild mental retardation construct: Identification, placement, and programs.
- Gottlieb, Jay. Alter, mark & Gottlieb, Barbara. (2001). Mainstreaming mentally retarded children. (cited in) Matson, Johnny & Malik, James.
- Dasaradhi K, Sri Raja Rajeswari Ch., Badarinath PVS, Gregson LA, Linger ES. 30 methods to improve learning capability in slow learners. *International Journal of English Language, Literature and Humanities*. 570-556: 2(4);2016.
- Ashore M, Jalil-Abkenr SS. *Students with special needs and inclusive education* (1th Ed). Publication of Rosh Farhang 2016, (Persian). Hallahan DP, Kauffman JM. Pullen PC. *Exceptional learners: an introduction to special education* (13th Ed). Published by Pearson Education, Inc., 2015.